



یادداشت

تعرض به سفره‌های مردم برای تامین هزینه جنگ و سرکوب تا کی؟

صادق کار



در اینکه سفره‌های مردم سال به سال کوچکتر شده است، حتی دولتمردان هم نمی‌توانند آن را انکار کنند و شک و شبه‌ای در این مورد برای هیچ کس وجود ندارد. حتی داده‌های رسمی دستکاری و سانسور شده. نیز بخشی از این واقعیت و اثرات ناخوشایند و مخرب آن را در گزارشات خود منعکس می‌کنند. از گزارشاتی که در ماه‌های اخیر در خصوص برنامه بودجه سال آینده منتشر شده و نقدهایی که توسط تعدادی از کارشناسان مستقل انجام گرفته و روند فزاینده قیمت کالاهای اساسی و هزینه‌های زندگی می‌شود فهمید که روند کوچک شدن سفره‌ها هر چه می‌گذرد شتاب بیشتری می‌گیرد. با این اوصاف دولت همچنان می‌خواهد کسری سنگین بودجه خود را با کوچکتر کردن بیشتر سفره‌های مردم جبران کند.

روز ۱۷ آبان خبرگزاری ایلنا در گزارشی که در رابطه با کاهش اختصاص ارز ترجیحی برای کالاهای اساسی در برنامه بودجه و پیامدهای آن منتشر کرد نوشت:

در بودجه سال آینده، اعتبار اختصاص یافته برای واردات کالاهای اساسی و دارو ۳ میلیارد دلار کاهش یافته است. در تبصره ۴ قانون بودجه سال جاری، مبلغ ۱۲.۶ میلیارد یورو معادل ۱۵ میلیارد دلار برای واردات کالاهای اساسی کشاورزی، دارو و مواد اولیه آن و تجهیزات مصرفی پزشکی تعیین شده است؛ در صورتی که این عدد در لایحه بودجه سال آینده که به مجلس ارائه شده با کاهش ۲۰ درصدی به ۱۱ میلیارد یورو معادل ۱۲ میلیارد دلار رسیده است. چرا دولت دست به چنین اقدامی زده است و کاهش اعتبار دولتی برای واردات کالاهای اساسی، چه پیامدهایی برای سفره‌های مردم به خصوص دهک‌های فرودست دارد؟



بخش بزرگی از کسری بودجه سال آینده بواسطه افزایش هزینه‌های نظامی و دستگاه عریض و طویل و پرهزینه سرکوب حکومت است که بیشترین سهم از درآمدهای کشور را می‌بلعد و سال به سال خرج آنها سنگین تر و بودجه بیشتری را می‌طلبند می‌شود. در بودجه سال آینده تنها سهم بودجه نظامی ۲۰۰ درصد افزایش داده شده. سهم نهادهای امنیتی و نهادهای متعدد و بی‌شمار سرکوب از بوجه نیز افزایش چشمگیری پیدا کرده است. از سوی دیگر قیمت بسیاری از کالاهای اساسی و خوراکی طی دو سه ماه اخیر یا رسماً توسط دولت افزایش داده شده و بخشی نیز به علت حذف یا افزایش قیمت ارز ترجیحی که در راستای سیاست تک‌نرخی کردن ارز و آزادسازی قیمت‌ها انجام گرفته به شدت افزایش پیدا کرده‌اند. آزادسازی قیمت کالاهای اساسی و دنبال کردن سیاست آزادسازی قیمت‌ها به موارد ذکر شده محدود نشده، هر روز که می‌گذرد ابعاد آن وسیعتر می‌شود. کما اینکه افزایش قیمت بنزین و برق نیز آنطور که از اظهارات مقامات دولتی بر می‌آید قطعی به نظر می‌رسد که افزایش آنها تاثیر زیادی روی افزایش بیشتر هزینه‌های زندگی دارد.

همه‌ی این تغییر و تحولات هزینه‌های زندگی را به شدت افزایش و سفره‌های فقیرانه را کوچکتر می‌نماید طبیعتاً زمانی که دولت قیمت کالاهای و خدمات را روز به روز بیشتر بالا می‌برد، باید دستمزدها و حقوق‌ها را نیز لاقلاً به همان نسبت بالا ببرد، اما سهمی که برای افزایش حقوق و دستمزدها در بودجه سال آینده اختصاص یافته ۲۰ درصد است که هیچ تناسبی با افزایش قیمت‌ها و هزینه‌های زندگی ده‌ها میلیون کارگر و کارمند شاغل و بازنشسته ندارد.

این درست است که در چهار دهه گذشته هیچگاه تناسبی میان دستمزدها با هزینه‌های زندگی وجود نداشته، اما در بودجه سال آینده بواسطه افزایش ۲۰۰ درصدی بودجه نظامی و دستگاه سرکوب و اجرای سیاست آزادسازی قیمت‌ها و تک‌نرخی کردن ارز، این تناسب بیش از تمام سالهای گذشته به ضرر مزد و حقوق بگیران و سایر گروه‌های رانده شده به زیر خط فقر به هم خواهد خورد و بیم آن می‌رود تا مینان خالی به مهمترین دغدغه آنها تبدیل بشود.

از همین رو شرایط سخت و دشوار کنونی طلب می‌کند که متشکل و متحد شد و مبارزه علیه جنگ و جهت برقراری صلح و دموکراسی را توأم با مبارزه علیه تعرض به سفره‌ها و توقف آن با مبارزه برای افزایش واقعی دستمزدها و حقوق‌های بازنشستگی و مبارزه با افزایش بودجه ۲۰۰ درصدی نظامی و دیگر سیاست‌های فقر آور رژیم پیش برد.

**از جنبش نه به اعدام برای متوقف کردن و ابطال احکام اعدام حمایت و به آن
بپیوندید!**

**ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می‌کنیم!
برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران
و مزد و حقوق بگیران!**



نابرابری جنسیتی در محیط کار بخش سوم

تحلیلی در باره پیامدهای کلیشه‌ها، شکاف جنسیتی در دستمزد، و غیبت زنان در موقعیتهای رهبری کننده برای کل جامعه

کاتلین بارگر



(Katelyn Barger) نوشته کاتلین بارگر

۲. ایده کلیشه ستیزی - ادامه

کسی که تبعیض جنسیتی را در عمل به یک مفهوم حقوقی - قانونی تبدیل کرد، روث بادر گینزبورگ بود، که دیگر در میان ما نیست. او یک تاریخ شخصی را به ثبت رسانده است، که چکیده آن مبارزه با هر هنجار جنسیتی [تبعیض آمیز] است. روث به عنوان قاضی به دادگاه عالی راه یافت. با گذشت زمان، او به عنوان یک نماد فمینیستی شناخته شد و راه را برای بازتعریف هنجارهای جنسیتی هموار کرد. یک مثال عالی در سال ۱۹۷۱ است. گینزبورگ در انقلاب جنسیتی در مواردی مانند (Reed vs. Reed) پرونده رید علیه رید «بند هفتم قانون حقوق مدنی ۱۹۶۴، قانون حقوق برابر در سال ۱۹۶۳، و نیز در ارتباط با قوانین بعدی دیگری مانند قانون خانواده و قانون مرخصی پزشکی سال ۱۹۹۳ درگیر بود. دخالت او در این موارد نشان داد که زنان می توانند همزمان مادر، همسر و زنان شاغل باشند. ایده‌های گینزبورگ دو جانبه بودند: از یک طرف جذب زنان به بازار کار و پذیرفتنی کردن ایده پدر خانه دار. این آرمان‌ها جامعه را به مسیر درست هدایت می‌کنند و این موضع را که برابری در آمریکا عملی است، تقویت می‌کند.

۳. شکاف دستمزد مبتنی بر جنسیت

شکاف دستمزد مبتنی بر جنسیت به این کیفیت است: "زمانی که زنان برای انجام کار یکسان به اندازه



مردان دستمزد دریافت نمی کنند". بسیاری از افراد این کیفیت را به عنوان [پیامد الزامی] نوع کاری که مردان یا زنان انجام می دهند، اشتباه تفسیر می کنند، به این معنی که گوئیا مردان معمولاً در بالاترین رده شغلی قرار دارند و بنابراین حقوق بیشتری دریافت می کنند. اما این تفسیر درستی و دقیق آنچه واقعیت دارد - یعنی وقتی واقعاً در رده واحدی تبعیض صورت می گیرد - نیست.

در باره آن (McAuliffe) تاریخچه این دست مسائل را می توان از داده های دهه 1970 پیگیری کرد. مک آلیف سالها می گوید: "متوسط درآمد معمول هفتگی زنان شاغل تمام وقت 37.9 درصد کمتر از متوسط درآمد مردان بود". دلایل متعددی برای این نابرابری ناشی از موقعیت مکانی (شهر یا حومه شهر)، نوع شغل و فرصت های نابرابر برای دو جنس است. در طول چهار دهه گذشته (از دهه 80)، زنان به دلیل سطوح تحصیلات عالی به طور فزاینده ای وارد محل کار شده اند که منجر به "کاهش کلی 38 تا 40٪ در شکاف دستمزد مبتنی بر جنسیت" شده است. این خبر خوبی است، اما مشکل اینجاست که اگر جامعه به کاهش تقریبی 10 درصدی شکاف دستمزد ادامه دهد، ممکن است دستمزد برابر تا چهل سال دیگر امکان پذیر نباشد. برای تغییر مؤثر نحوه نگرش جامعه به زنان و ایجاد برابری، شناخت و درک این موضوع ضروری است.

نکته جالب توجه این است که با گذشت زمان، می توان فکر کرد که تفاوت درصد درآمد زنان تمام وقت به درآمد مردان، با توجه به قوانین جدید و جامعه ای لیبرال تر، به سرعت و به میزان قابل توجهی کاهش یافته است، اما این طور نیست. در سال 2007، نسبت 38 مربوط به 50 سال پیش به 21.5 درصد رسیده بود (تازه این نسبت حتی صرفاً این واقعیت را در نظر نمی گیرد که زنان به تحصیلات بیشتری نیاز دارند تا برای موقعیت ها و مشاغل مشابه مردان در نظر گرفته شوند)

سال 2019، برای اولین بار، تعداد زنان تحصیل کرده دانشگاهی از مردان تحصیل کرده در نیروی کار آمریکا بیشتر شد. حتی با وجود این آمار چشمگیر، شکاف دستمزد هنوز وجود دارد و تقریباً برای زنان یک مدرک اضافی لازم است تا معادل مردی باشند که برای همان شغل درخواست کار می کند. این تبعیض ذاتی به وضوح در اعداد و دلایل پشت آنها نشان داده شده است و در ادامه بیشتر مورد بحث قرار خواهد گرفت.

2. موضوعاتی که باید مورد توجه قرار گیرند

در ارتباط با تبعیض جنسیتی در بازار کار سه مشکل اصلی اجتماعی وجود دارند که باید بر روی آنها تمرکز کرد و کوشید آنها را در طول زمان برطرف کرد: 1- کلیشه های سنتی در باره تقسیم کار، 2- شکاف دستمزدها و 3- موقعیتهای شغلی رهبری کننده. هیچ یک از این موضوعات مبتنی یا برگرفته از یک روایت ساختگی نیست که عده ای در جامعه مدعی آن اند. واقعیت این است که در همه زمینه های شغلی، به ویژه در تعصبات جنسیتی، یک سوگیری عینی وجود دارد. در بخشهای آتی به این موضوعات سه گانه پرداخته شده است.

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!



پرستاران مراسم دولتی روز پرستار را تحریم و بجای آن اعتراض کردند

ع امید



در جمهوری اسلامی مرسوم است وقتی بخواهند به درخواست گروه های شغلی جواب مثبت ندهند و خواسته های شان را ولو هر چقدر که بر حق باشد بی جواب بگذارند، در مناسبت هایی که پیش می آید، سعی می کنند با دادن جایزه به عده ای که معمولاً در اعتراضات نقشی ندارند سر و ته قضیه را بهم بیاورند.

این روش البته در گذشته تا حدودی جواب میداد، اما مدتهاست که دیگر اثر خود را از دست داده و نمی تواند کسی را به غیر از همان عده ای که به آنها جایزه یا امتیازی می دهند بفریبد. با این وصف مسئولین ذریبط دولتی از آنجا که حتی الامکان مایل به اجابت خواسته های معترضین نیستند، همچنان تلاش می کنند از این روش ها بهره بگیرند.

هر ساله در روز پرستار برای اینکه به مطالبات به حق پرستاران پاسخ مثبت ندهند، مراسمی در مکانهای مختلف ترتیب می دهند و سخنران مراسم پس از تعریف و تمجید بی هزینه از نقش و خدمات پرستاران جوایزی را نیز به تعدادی از پرستاران می دهند که ارزش جوایز به هر پرستار معمولاً کمتر از مزایای شغلی ماهانه ای است که باید به آنها بدهند، ولی نمی دهند.

معمولاً در این مورد نیز تبعیضات زیادی انجام می گیرد و به خیلی ها که برآستی مستحق پاداش هستند پاداشتی نمی دهند و به عده دیگری که مستحق نیستند پاداش می دهند. امسال نیز بمناسبت روز پرستار و در شرایطی که اعتصاب و اعتراضات پرستاران حالت سراسری بخود گرفته و در روز پرستار نیز حداقل در چند شهر پرستاران روز پرستار را تحریم و بجای آن اعتصاب کرده اند، همان هایی که تاکنون سرسختانه در مقابل خواسته های پرستاران موضع گرفته و از پاسخ دادن به خواسته های پرستاران امتناع می ورزند و کوشش در سر دواندن پرستاران دارند، بمناسبت روز پرستار بجای آنها با اجازه خود مراسمی



تشریفاتی ترتیب دادند. در سازمان تامین اجتماعی نیز که به گفته مهدی اسلامی معاون مصطفی سالاری مدیر عامل تامین اجتماعی ویکی از سخنرانان ۱۷ هزار پرستار در موسسات متعلق به آن کار می کنند، مراسمی به مناسبت روز پرستار در این روز با شرکت مدیر سازمان تامین اجتماعی برگزار شد. در این مراسم علاوه بر مدیر عامل دوتن دیگر از معاونان وی سخنرانی کردند. سخنرانان تا توانستند از پرستان و نقش و خدمات و فداکاری شان تعریف و تجلیل کردند، اما نه اشاره ای به مطالبات آنها کردند و نه صحبتی مبنی بر موافقت شان با خواسته های پرستاران به میان آوردند. تنها گفتند در مراسم از ۵۶۰ پرستار نمونه که آزمون خود را خوب پس داده اند تقدیر کرده اند. به گفته مهدی اسلامی معاون مدیر عامل یک سوم از ۵۰ هزار کادر درمانی تامین اجتماعی پرستار هستند. وافزود:

در مراکز ملکی تامین اجتماعی بیش از ۴۰۰ مرکز درمانی اعم از بیمارستان، دی کلینیک، کلینیک، درمانگاه و پلی کلینیک فعال داریم که ۱۷ هزار کادر پرستاری ما در این ۴۰۰ مرکز مشغول خدمت هستند. به نوشته دنیای اقتصاد مسعود پزشکیان در مراسمی که بمناسبت روز پرستار برگزار شد در مورد " ناعادلانه بودن پرداخت یارانه ها و عادلانه کردن آنها به نحوی که بیشترین فایده را ثروتمندان نبرند صحبت کرد. صحبت های پزشکیان در واقع تکرار نعل به نعل حرف های رئیسی و برخی از وزرای او بود که تلاش داشتند، با پنهان شدن پشت الفاظ "عادلانه نبودن و عادلانه کردن" یارانه ها نیات واقعی دولت را که ناظر بر آزاد سازی قیمتها و حذف یارانه بود پیش ببرند. کما اینکه بعد از تشکیل دولت پزشکیان سیاست حذف یارانه کالاهای اساسی در عمل نیز با سرعت بیشتری در حال اجراست و سخنان او نیز بیشتر زمینه سازی روانی برای گران کردن بنزین و برق و گاز است. در گزارش خبرگزاری ایرنا از مراسم دولتی روز پرستار نیز پزشکیان تنها به ناچیز بودن حقوق اضافه کاری پرستاران اشاره کرده، اما حتی نه در این مورد و نه در خصوص بقیه مطالبات پرستاران جز دعوت به صبر قولی به پرستاران نداده است. بهمین جهت است که پرستاران بجای شرکت در مراسم تشریفاتی و بی خاصیت دولتی در روز پرستار ترجیح داده اند اعتصاب و اعتراضات شان را ادامه دهند. این تشخیص هوشمندانه و درستی است که در صورت تداوم و حفظ همبستگی می تواند، مقاومت دولتمردان و کارفرمایان را درهم بشکند و پرستاران را به خواسته های شان که حقانیت دارند رهنمون کند

علیه تغییرات ارتجاعی در قانون کار و تامین اجتماعی متحدانه مبارزه کنیم!

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!



تعدیل ماده ۴۱ قانون کار به بهانه رفع ابهام



مسئولین و کارگزاران قدرت در نهادهای حکومتی در رژیم های استبدادی از آنجا که خیلی وقتها بواسطه ترس از عکس العمل جامعه نمی توانند حقی را از مردم بگیرند و یا قانونی را به نفع صاحبان قدرت و ثروت تغییر دهند، برای انجام آن به فریبکاری متوسل می شوند. این شیوه در حکومت اسلامی دهها سال است تمرین شده است و کارگزاران نهادهای حکومتی در بکار بستن آن خیره شده‌اند.

برای مثال بخش های از قوانین کار و تامین اجتماعی به بهانه اصلاح و یا به روز شدن توسط مجلس و دولت طی ده های گذشته با چنین نیرنگ هایی به ضرر حقوق کارگران به سود سرمایه داران ماهیت شان وارونه شده اند. ماده ۴۱ قانون کار و دو بند آن نحوه افزایش دستمزد کارگران را تعیین کرده است. تلاشهای که از طرف مجالس و محافل کارفرمایی و حکومتی برای تغییر ماهیت این ماده از قانون کار بوجود آمده به علت حساسیت شدید کارگران نسبت به آن برای تغییر رسمی این ماده که یکی از کلیدی ترین مواد قانون کار است به رغم آنکه دهها سال است دولتها و کارفرمایان از اجرای درست آن طفره رفته‌اند تا کنون به ثمر نرسیده است.

بهمین خاطر صولت مرتضوی وزیر کار قشری و محافظه کار دولت رئیسی که موفق به حذف ماده ۴۱ نشده بود، در دو سال پیاپی تن به اجرای آن نداد و خوسرانه و قلدربابانه به تشویق رهبران سازمانهایی کارفرمایی دستمزدها را بر خلاف قانون بجای ۴۵ درصد نرخ تورم ۲۰ درصد افزایش داد و در واقع با این ترفند دستمزدها را به جای افزایش کاهش داد.

او بعد از آن دوباره با تهیه لایحه‌ای از سوی دولت تلاش کرد با کمک مجلس کلک ماده ۴۱ را کنده و تصمیم گیری در مورد افزایش دستمزد را از شورای عالی کار به دولت منتقل کند، اما در اثر کشته شدن رئیسی و تغییر دولت فرصت انجام این کار را پیدا نکرد.

در آن هنگام از طرف مجلس اعتراضی نسبت به قانون شکنی دولت رئیسی و وزیر کار راستگرای او انجام نگرفت. بعد از انحلال دولت رئیسی و تغییر دولت تلاش برای تعدیل این قانون به شکل دیگری به این بهانه که مقصر عدم افزایش دستمزد در زمان رئیسی وجود ابهام در بند اول ماده ۴۱ بوده است و مجلس باید آن را رفع نماید، توسط یکی از نمایندگان مجلس شروع شد. و پیشنهادی از سوی وی ظاهرا برای رفع اشکالی که اساسا وجود نداشت تهیه و تسلیم مجلس شد.

به زعم این نماینده کلمه "با توجه به تورم" که در بند اول ماده ۴۱ آمده است باعث تفسیر مختلف و جلوگیری از توافق بر سر افزایش دستمزد بر مبنای نرخ تورم شده است.

این ادعا در حالی مطرح می شود که همیشه بیشتر اختلافات در شورای عالی کار بر سر این بوده که



نمایندگان دولت و کارفرماها علاوه بر اینکه افزایش دستمزد بر اساس تورم را نمی پذیرفتند با ملحوظ کردن و اجرای بند دوم ماده ۴۱ که افزایش دستمزد را علاوه بر نرخ تورم منوط به در نظر گرفتن سبد هزینه خانوار نموده است مخالفت می کردند. در پیشنهاد اصلاحی، این نماینده و چند نماینده دیگر که بعداً به او پیوستند، افزایش دستمزد صرفاً بر اساس تورم مورد تأکید قرار گرفته و بند دوم که هزینه سبد خانوار است عملاً به عنوان یکی از پایه ها افزایش دستمزد در این طرح منظور نشده است. در واقع این همان چیزی است که نمایندگان سازمانهای کارفرمایی و دولت هیچ گاه تن به اجرای آن نمی دادند. بنا بر این تصویب احتمالی این طرح در واقع نه تنها باعث تقویت ماده ۴۱ و بهبود دستمزدها نمی شود، بلکه باعث تعدیل و تضعیف ماده ۴۱ قانون کار و حقوق کارگر می شود. تهیه چنین طرحی از طرف نمایندگان مجلسی که در سرسپردگی اکثریت قاطع آنان به سرمایه داران جای تردید نیست عملی فریبکارانه بیش نیست. از حکومت و مجالسی که همواره از سیاست سرکوب دستمزدها و منجمد کردن دستمزدها زیر خط فقر حمایت کرده اند نمی شود انتظار داشت طرحی بدهند که با سیاستهای تا کنونی حکومت مغایرت داشته باشد. اگر اینها واقعا نیت شان افزایش دستمزد بر اساس تورم بود قبل از دادن چنین طرحی می بایست نسبت به افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان دولت در برنامه بودجه سال آینده در شرایط تورم ۴۰ درصدی اعتراض می کردند و آنرا تغییر می دادند



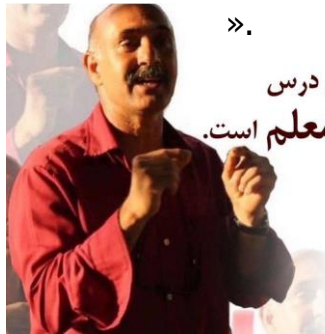
وریشه مرادی به اعدام محکوم شد

به گزارش شبکه حقوق بشر کردستان: «وریشه مرادی، زندانی سیاسی کورد و عضو جامعه زنان آزاد شرق کردستان (کژار)، از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ریاست قاضی ابوالقاسم صلواتی به اتهام «بغی» به اعدام محکوم شد

جلسات دادگاه وی در تاریخهای ۲۷ خرداد و ۱۴ مهر ۱۴۰۲ برگزار و حکم اعدام امروز یکشنبه، ۲۰ آبان به وکلای وی ابلاغ شده است. در جلسات دادگاه، وریشه مرادی اجازه دفاع از خود را نداشت و قاضی صلواتی حتی به وکلای او نیز اجازه دفاع نداد. همچنین وکلای پرونده که پیشتر از حق مطالعه پرونده



محروم شده بودند، پس از پایان دومین جلسه دادگاه، تنها به مدت چند ساعت موفق به مطالعه پرونده موکلشان شدند



» آزادی

نخستین درس

یک معلم است.

پرچم بیداد

رسول بداقی / مرداد ۱۴۰۲

زندانی_اوین

غروب دیگری بود

من بودم و دیوار

اندوه از پرچین دلم بالا رفته بود

باد شیشه‌های خانه‌ی بی‌صاحب دلم را شکسته بود

مردم بسیاری در دلم خوابیده بودند

...همه سردشان شده بود، و من هم

...همه از ترس در گوشه‌ای کز کرده بودند، و من هم

اشک‌هایمان، پی‌درپی از گونه‌هایمان می‌زدودیم

با سر انگشت، با کف دست، با آستین

هستی‌مان پرواز آتشفشان شده بود

!...در خودمان می‌سوختیم، آه...! قلب من، میهن من

باد می‌آمد، غبار در هم می‌پیچید

...خاک این بار از زمین به آسمان می‌بارید، آغشته به نفرین، به رگ‌های خشکیده آرزو

مردم همه کودکان دلشان را از یاد برده بودند

سربازان گمنام، چماقِ ستم را عادلانه تقسیم می‌کردند

...پیر اهریمنان می‌خندید، لبخندهایش ملیح، اما

از زبانش آتش شعله می‌کشید

فقط باد حوادث بود، که پرچم_بیداد را تکان می‌داد



اهریمن پیر نرم نرمک آهنگ اقتلو... اقتلو... در گوش تشنگان قدرت تلاوت می‌کرد
سربازان گمنام و نامدارش، در جشن‌های میلاد و مرگ، برای دلها و اندیشه‌ها
می‌کاشتند **دار#** هر چهار فصل
پرچم بیداد را همچنان باد حوادث تکان می‌داد
همچنان با رود خون می‌چرخید **عدالت#** آسیاب
اهریمن قرار نبود، اهریمن باشد
از عطر گل و بوی لبخند ترانه می‌بافت
چکید **خون‌ها#** به ناگاه همه دیدند که از جای جای بوسه‌هایش
باد حوادث همچنان پرچم بیداد را تکان می‌داد
.... آسیاب عدالت همچنان، با رود خون می‌چرخید



بازنشستگان کرمانشاه در تظاهرات امروز خود خواهان آزادی آهو دریایی شدند
تجمع بازنشستگان کارگری در چند شهر/ خواسته‌ی ما اجرای قانون است
.جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی در چند شهر تجمع اعتراضی ترتیب دادند
جمع بازنشستگان فرهنگی مقابل وزارت آموزش و پرورش/ پاداش پایان خدمت ما چه شد؟
شماره‌ی از بازنشستگان فرهنگی ۱۴۰۲ به تهران آمدند و مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند
تجمع بازنشستگان فولاد در اصفهان و تهران
شماره‌ی از بازنشستگان صنعت فولاد در اصفهان و تهران با حضور در یک تجمع صنفی، خواستار رسیدگی به
مطالبات صنفی خود شدند



اعتراض دوباره کارگران اپراتور شرکتی پست‌های انتقال و فوق توزیع کشور به عملی نشدن وعده‌ها کارگران گفتند: در آخرین اجتماع صنفی کارگران اپراتور (بهره‌برداران) شرکتی پست‌های انتقال و فوق توزیع برق شاغل در سراسر کشور که در روز ۲۸ مهر ماه سال جاری به مدت یک روز مقابل وزارت نیرو برگزار شد، مسئولان وزارت نیرو از جمله معاونت تحقیقات و منابع انسانی در جلسه بررسی مطالباتمان که با حضور تعدادی از نمایندگان کارگری برگزار شد با امضای صورت جلسه‌ای وعده داده بودند تا حداکثر دو هفته آینده به مطالبات ما رسیدگی کنند که هنوز عملی نشده است.



مرگ ۳ کارگر در سه حادثه شغلی در همدان
طی ۲۴ ساعت گذشته در سه حادثه جداگانه شغلی، سه کارگر حین انجام کار در همدان جان باختند
سوختگی هفت کارگر در کارخانه «قند» پارس آبادمغان
هفت کارگر در کارخانه «قند» شهرستان پارس آباد مغان دچار سوختگی شدند
مرگ یک کارگر شهرک صنعتی تویسرکان
کارگر یکی از کارخانه‌های مستقر در شهرک صنعتی تویسرکان استان همدان بر اثر حادثه کار جان باخت





فقط کف خیابون به دست میاد حقمون
کارگر زندانی آزاد باید گردد
پرستار زحمتکش حمایت می کنیم
پرستار، بازنشسته ، اتحاد اتحاد
کارگر، بازنشسته اتحاد اتحاد
برای رفع تبعیض، اتحاد اتحاد
گرانی تورم حاکم شده تو بازار
نگ ما ننگ ما، صدا و سیما ما

. برگزاری تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی شوش

تجمع در اعتراض به تورم، فقر، فساد و گرانی، اعتراض به غارت و دزدی، در اعتراض به دستمزدها ناچیز و نامناسب، اعتراض به تبعیض و نابرابری، اعتراض به بندگی و به تنگ آمدن از زندگی پر از تحقیر

نابود باد بندگی زنده باد زندگی

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>